

تفسیر علمی قرآن

از دیدگاه مفسران شیعه

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

دانشیار جامعة المصطفی العالمیه

چکیده

تفسیر علمی قرآن، به معنای استفاده از یافته‌های اطمینان‌آور علوم تجربی در فهم قرآن است که به عنوان قرائنی برای تفسیر قرآن به کار می‌رود؛ البته تفسیر علمی در طول تاریخ، فراز و نشیب‌هایی داشته است و گاهی به صورت افراطی مطرح شده؛ یعنی تلاش شده است همه جزئیات علوم بشری، از قرآن استخراج شود، یا نظریه‌های علمی اثبات‌نشده و غیراطمینان‌آور بر قرآن تحمیل گردد، که منتهی به تفسیر به رأی شده است. گاهی نیز راه اعتدال پیموده، به صورت استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن مطرح شده است.

مفسران شیعه از هزار سال قبل، به این شیوه تفسیری توجه کرده‌اند، ولی راه اعتدال را پیموده‌اند. سرنخ‌های تفسیر علمی را در مجمع‌البیان می‌یابیم؛ سپس مفسران دیگر شیعه به‌ویژه در قرن اخیر، به این مباحث توجه کرده‌اند و حتی دیدگاه‌های خاصی ارائه کرده‌اند؛ از جمله: آیت‌الله مکارم شیرازی که بین تفسیر علمی به وسیله علوم تجربی قطعی و غیرقطعی تفاوت می‌گذارد و قسم اول را می‌پذیرد و علامه معرفت که بین نسبت دادن قطعی علوم به قرآن و نسبت دادن احتمالی آنها تفاوت می‌گذارد و قسم دوم را می‌پذیرد و در موارد متعددی، ادعای اعجاز علمی قرآن را نیز مطرح کرده، پذیرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر، علم، مفسر، شیعه.

مقدمه

قرآن کریم با روش‌ها و گرایش‌های متعددی تفسیر می‌شود؛ همچون روش تفسیر قرآن به قرآن، روایی، عقلی، اشاری (باطنی)، اجتهادی و نیز: گرایش‌های فقهی، کلامی، فلسفی، ادبی و تفسیر علمی یکی از این موارد است. (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۶۶ / علوی مهر، ۱۳۸۱ / رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵ / مؤدب، ۱۳۸۰) که به توضیح آیات علمی قرآن می‌پردازد. برخی از صاحب‌نظران تعداد آیات علمی قرآن را ۱۳۲۲ آیه بر شمرده‌اند (محمد جمیل الحبال، و مقداد مرعی الجواری، [بی‌تا]: ص ۳۵-۳۶) که اگر آیات مربوط به علوم انسانی را اضافه کنیم، بیش از این می‌شود.

هرچند تفسیر علمی، سابقه‌ای هزار ساله دارد (ر.ک: ابوحجر، ۱۴۱۱ ق / رفیعی، ۱۳۷۹ / رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶)، ولی در یک قرن اخیر، بیشتر مورد توجه مفسران و دانشمندان میان‌رشته‌ای قرار گرفته است؛ با این حال متأسفانه تاکنون کتاب مستقلی در مورد موضع‌گیری و عملکرد مفسران شیعه در مورد تفسیر علمی نگاشته نشده است؛ از این رو ضروری است در این مورد، بررسی مستقلی صورت گیرد؛ ولی قبل از ورود، یادآوری چند نکته مهم لازم است:

۱. هدف اساسی قرآن، هدایت بشر به سوی خداست (بقره: ۹۷ / نحل: ۸۹)؛ بنابراین اگر اشارات علمی در قرآن وجود دارد، در راستای هدایت انسان و اثبات خداشناسی و معادشناسی است؛ همان‌طور که در آیات قرآن به این هدف، تصریح شده است (رعد: ۳-۴ / حج: ۵)؛ بنابراین قرآن کریم کتاب فیزیک، شیمی و علوم دیگر نیست تا بخوانیم و همه جزئیات علمی آن را استخراج کنیم و اگر قرآن بیان‌کننده همه چیز معرفی شده است «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)، مقصود، کلیات چیزهاست که در راستای هدف هدایتی قرآن باشد.

۲. تفسیر علمی قرآن در طول اعصار، فراز و نشیب‌های متعددی داشته است.

تفسیر علمی به طور عمده به سه دوره تقسیم می‌شود:

دوره نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود* که با ترجمه آثار یونانی به عربی آغاز شد و بعضی مسلمانان سعی کردند آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا). نمونه‌های مکتوب تفسیر علمی در آثار بوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) یافت می‌شود.

دوره دوم از حدود قرن ششم شروع شد؛ هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد و می‌توان علوم مختلف را از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سرآمد بود). این دو نوع تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن‌ها ادامه داشت و هر زمان، دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می‌پرداختند.

دوره سوم از تفسیر علمی که موجب اوج‌گیری و رشد فوق‌العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن هجدهم میلادی به بعد، علوم تجربی در مغرب‌زمین رشد کرد و کتاب‌های مختلف در زمینه علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان‌شناسی به عربی ترجمه شد. این دوره جدید به‌ویژه در یک قرن اخیر که در جهان اسلام، آثار خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت، موجب شد دانشمندان مسلمان، در صدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآیند. در دوره سوم، تفسیر القرآن هو الهدی والفرقان سر سیداحمد خان هندی (۱۸۱۷-۱۸۹۸ م) و تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن طنطاوی (متولد ۱۸۶۲ م) شکل گرفت و به

* البتّه در برخی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نیز نکات علمی در تفسیر آیات قرآن آمده است؛ مثلاً در مورد تعداد ۳۶۰ مشرق و مغرب در سوره معارج، آیه ۴۰ (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۲۲۱) و نام سیارات در تفسیر آیات ۱۵-۱۶ سوره تکویر (طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۶۷۷) و ... از جمله از موارد تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام به‌شمار می‌آیند؛ با این حال تفسیر علمی مصطلح نیست؛ چون از یافته‌های علمی در تفسیر قرآن استفاده نشده است، بلکه اهل بیت علیهم‌السلام اسرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده‌اند که این جزئی از تفسیر روایی است.

صورت افراطی به ذکر نظریه‌های علمی اثبات‌نشده در تفسیر قرآن روی آوردند.
۳. تفسیر علمی قرآن می‌تواند به یکی از چهار گونه زیر صورت گیرد:

الف. استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی، مانند ابن ابی‌الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده‌اند همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آنها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند، برمی‌گرداندند و از این‌جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیئت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند؛ برای مثال از آیه شریفه: «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء: ۸۰) [ابراهیم علیه السلام نقل می‌کند: وقتی بیمار شدم، اوست که شفا می‌دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (غزالی، [بی‌تا]، ص ۲۷، فصل پنجم) و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره‌ها استفاده کردند (ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۸۱) و از آیه شریفه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزله: ۱) زمین‌لرزه سال ۷۰۲ هجری را پیش‌بینی نمودند (زرشکی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، صص ۱۸۱-۱۸۲).

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات بسیاری در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آنها می‌شود.

از همین روست که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند (ر.ک به: ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۴۵۴ تا ۴۹۵) که البته در این قسم از تفسیر علمی، اشکالاتی وارد است.

ب. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلّم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هر گاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده، آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند. مثال اینگونه تفسیر را در تفسیر آیه ۱۸۹ سوره اعراف از عبدالرزاق نوفل می‌توان دید که «نفس» را به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کرده است و گفته است: «منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم» (نوفل، ۱۳۹۳ ق، ص ۱۵۶). وی در این تفسیر، حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را بیان نکرده است.

اینگونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید؛ به نحوی که ایشان یکسره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند؛ چنان که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد (ر.ک: مقدمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد).

البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسّر در هنگام تفسیر، باید از هرگونه پیش‌داوری خالی باشد تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی گذاشته که در روایات، وعده عذاب به آن داده شده است.

ج. استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسّر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند؛ یعنی تلاش می‌کند با استفاده از مطالب قطعی علوم که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود و با ظاهر آیات قرآن طبق معنای لغوی و اصطلاحی موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار اینگونه تفسیر را، به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می‌کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به سبب استقرای ناقص و مبنای ابطال‌پذیری که اساس آنهاست، کمتر می‌توانند مطلبی علمی و قطعی بیان کنند؛ برای مثال، آیه شریفه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِيُسْتَقَرَّ لها» (یس: ۳۸): خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد، وقتی صدر اسلام نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌دانستند؛ به این ترتیب، از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا این دید ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است؛ از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم؛ همان‌طور که شخص سوار بر قطار خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند؛ بنابراین با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است. (اوبلاکر، ۱۳۷۰، صص ۴۵-۴۸)؛ پس می‌گوییم: اگر به طور قطع اثبات شد خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی

(حرکت انتقالی و...) خورشید است؛ علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته، مرتب زیر و زبر می‌شود (همان، ص ۴۵-۴۸) و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است (برای اطلاع از مثال‌های بیشتر: نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰ / همو، ۱۳۷۶).

د. نظریه‌پردازی و جهت‌دهی به علوم

در دهه اخیر، اینگونه تفسیر علمی مطرح شده است که مفسر در علوم انسانی، به دنبال به دست آوردن مبانی علوم از قرآن است؛ برای مثال از آیات اقتصادی قرآن، نظام و مکتب اقتصادی اسلام به دست می‌آید (صدر، ۱۴۰۸ ق) و اقتصاد بدون ربا مطرح می‌شود (بقره: ۲۷۵-۲۷۹) و بر اساس آیات تربیتی، نظام و اهداف و روش‌های تربیتی به دست می‌آید (شهید صدر، همان) و گاهی بر اساس آیات قرآن، موضوعات جدید برای پژوهش‌های علوم مطرح می‌شود و با تسامح، به آن نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن گفته می‌شود؛ برای مثال از آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ» (شوری: ۲۹)، وجود موجودات زنده در آسمان مطرح می‌شود که می‌تواند موضوع و نظریه‌ای برای تحقیقات کیهان‌شناسی باشد.

بنابراین وقتی سخن از تفسیر علمی قرآن به میان می‌آید، حتماً مقصود تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن یا استخراج جزئیات علوم از ظواهر قرآن نیست، بلکه گاهی منظور استخدام علوم در فهم قرآن و جهت‌دهی به علوم انسانی و نظریه‌پردازی علمی قرآنی است که قابل دفاع است و اگر بر اساس ضوابط تفسیری صورت پذیرد، صحیح و معتبر است.

مفهوم‌شناسی تفسیر علمی

در مورد مفهوم علم و تفسیر و تفسیر علمی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه به صورت مختصر، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

مقصود از تفسیر، فهم معانی و مقاصد آیات قرآن است (طباطبائی، ۱۳۹۷ ق، ج ۱، ص ۷ «مقدمه») و منظور از علم در این‌جا، علوم تجربی است که به دو شاخه علوم طبیعی (همچون فیزیک، شیمی، پزشکی، کیهان‌شناسی و ...) و علوم انسانی (همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ...) تقسیم می‌شود؛ اما صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی در مورد تفسیر علمی ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

دکتر ذهبی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «مقصود ما از تفسیر علمی، آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می‌کند و تلاش می‌نماید علوم مختلف و نظریات فلسفی را از قرآن استخراج سازد» (ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۴).

البته ایشان تفسیر علمی را اعم از تفسیر فلسفی دانسته است، در حالی که بنا بر تعریف مشهور، این دو روش تفسیری از هم جداست، و در این‌جا، علوم تجربی در برابر علوم عقلی (مثل فلسفه) مقصود است. همچنین ایشان به دو قسم از تفسیر علمی، یعنی «تحمیل نظریه‌ها بر قرآن» و «استخراج علوم از قرآن» اشاره کرده است؛ در حالی که چنانچه قبلاً اشاره شد، قسم سومی از تفسیر علمی نیز وجود دارد که همان «استخدام علوم در فهم قرآن» است.

آقای امین الخولی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «آن تفسیری است که طرفداران آن اقدام به استخراج همه علوم قدیم و جدید از قرآن می‌کنند و

قرآن را میدان وسیعی از علوم فلسفی، انسانی، در زمینه پزشکی، کیهان‌شناسی و فنون مختلف ... می‌دانند و اصطلاحات علمی را بر قرآن حاکم می‌کنند و می‌کوشند این علوم را استخراج کنند» (امین الخولی، [بی‌تا]، ص ۲۸۷ به نقل از سیدمحمد ایازی).

این تعریف نیز به دو قسم تفسیر علمی، یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریات بر قرآن اشاره کرده است، اما به قسم سوم، یعنی استخدام علوم در فهم قرآن اشاره نکرده است.

آقای راترود ویلانت نیز در *دائرةالمعارف قرآن لیدن* در مقاله «تفسیر قرآن در دوره جدید» در تعریف تفسیر علمی، بر استخراج از قرآن تأکید می‌کند و می‌نویسد: «تفسیر علمی باید در پرتو این فرض درک شود که تمام انواع یافته‌های (دستاوردهای) علوم طبیعی جدید، در قرآن پیش‌بینی شده است و اینکه می‌توان قرائن و شواهد روشن بسیاری نسبت به آنها در آیات قرآن کشف نمود؛ یافته‌های علمی از کیهان‌شناسی کوپرنیکی گرفته تا خواص الکتریسیته و از نظم و ترتیب انفجالات شیمیایی تا عوامل امراض عفونی، همه از پیش در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است» (Rotraud wielandt, Exegesis of the Quran: Early

Modern and contemporary. In Encyclopadia of the Quran V: 2, PP. 124-141).

عبدالرحمن العک نیز تفسیر علمی را اینگونه تعریف می‌کند: «این تفسیر در اصل برای شرح و توضیح اشارات قرآنی است که به عظمت آفرینش الهی و تدبیر بزرگ و تقدیر او اشاره دارد» (عبدالرحمن العک، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۱۷)؛ البته این تعریف تا حدودی به مقصود اصلی تفسیر علمی نزدیک شده است و از تعریف آن به صورت استخراج و تحمیل، دوری گزیده است.

با این حال در تعریف بالا، روشن نشده است علوم قطعی یا نظریه‌های ظنی در تفسیر علمی استفاده خواهد شد.

دکتر فهد رومی نیز در تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «مراد از تفسیر علمی، اجتهاد مفسّر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی است؛ به طوری که اعجاز قرآن آشکار شود و ثابت گردد که آن [از طرف خدا] صادر شده و صلاحیت برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها دارد» (رومی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۵۴۹).

دکتر رفیعی نیز پس از بیان تعریف‌های مختلف و نقد و بررسی آنها، تعریف فوق را مناسب‌تر معرفی می‌کند (رفیعی محمدی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۰).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: روش تفسیر علمی قرآن، دارای گونه‌ها و اقسام مختلف است که بر اساس آنها، تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن، از آن یاد شده است؛ اما مقصود ما در این نوشتار، همان «استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است؛ یعنی منبع علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآید و در این راستا، تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح، رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد» (برای توضیح بیشتر نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۴ و ص ۳۷۸).

پیشینه

در مورد مباحث نظری تفسیر علمی، در حوزه مذهب شیعه، کتاب‌های مستقلی نگاشته شده است؛ از جمله قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشنی؛ تفسیر علمی قرآن، دکتر ناصر رفیعی و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، که به مباحث تاریخی تفسیر علمی و رابطهٔ قرآن و علم و قلمرو تعارض‌های ادعایی و راهکارهای آنها پرداخته‌اند.

در مورد مصادیق تفسیر علمی در تفسیرهای شیعه نیز به برخی مصادیق تفسیر علمی اشاره شده است - که در ادامه مقاله خواهد آمد - البته در میان این تفاسیر، بیشترین مباحث تفسیرهای علمی را می‌توان در تفسیر نمونه، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر پرتوی از قرآن، آیت‌الله طالقانی و تفسیر الفرقان، دکتر صادقی یافت.

البته تک‌نگاری‌های متعددی نیز به مصادیق تفسیر علمی در زمینه علوم مختلف پرداخته‌اند؛ از جمله: الاسلام و الهیة، سید هبة‌الدین شهرستانی (۱۳۶۹ ق) که در زمینه آیات نجومی قرآن مطالب بسیاری دارد؛ التمهید (ج ۶) علامه معرفت (۱۳۸۵ ش)؛ باد و باران در قرآن و مطهرات در اسلام، مهدی بازرگان؛ قرآن و علوم امروزی، یدالله نیازمند شیرازی؛ فلسفه احکام، احمد اهتمام (۱۳۴۶ ش)؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد؛ هفت آسمان، محمدباقر بهبودی؛ تکامل در قرآن، آیت‌الله علی مشکینی، نظریه تکامل، آیت‌الله سبحانی؛ نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مسیح مهاجری؛ خلقت انسان، دکتر یدالله سبحانی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی؛ قرآن و کیهان‌شناسی، عیسی مسترحمه؛ شگفتی‌های پزشکی قرآن، حسن رضا رضایی؛ قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان و قرآن و ریاضیات، سید مرتضی علوی. همان‌طور که بیشتر اشاره شد، در مورد تفسیر علمی در خصوص مفسران شیعه، تاکنون کتاب و مقاله مستقلی به دست نیامده است.

البته پیشینه تفسیر علمی در میان برادران اهل سنت نیز طولانی است که بیان آنها از موضوع این نوشتار خارج است (ر.ک: ابوحجر، ۱۴۱۱ ق / رفیعی، ۱۳۷۹ / رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶).

سیر تاریخی تفسیر علمی در تفاسیر شیعه

مفسران شیعه از دیرباز، به نوعی به تفسیر علمی توجه داشته‌اند؛ یعنی گاهی اشارات علمی قرآن را توضیح داده‌اند و گاهی از علوم روز برای فهم و تفسیر آیات کمک گرفته‌اند و یا دیدگاه برخی صاحب‌نظران علوم را در تفسیر ذکر کرده، گاهی به داوری آنها پرداخته‌اند، و عموماً به شیوه استخدام علوم در فهم تفسیر آیات قرآن روی آورده‌اند؛ اخیراً نیز در تفاسیر شیعه، به جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی توسط آیات قرآن و نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن توجه شده است، ولی به استخراج جزئیات علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی اثبات‌نشده بر قرآن، کمتر مبتلا شده‌اند؛ البته برخی مفسران شیعه نیز گونه‌هایی از تفسیر علمی را رد کرده‌اند که دیدگاه‌های آنها تا حد امکان در این مقاله ذکر خواهد شد.

گفتنی است ذکر همه مصادیق تفسیر علمی در تفاسیر شیعه، از حوصله این نوشتار خارج است و نیازمند چند مجلد کتاب است؛ بنابراین در ادامه به تفاسیر شاخص و برخی مصادیق پرداخته می‌شود؛ در حدی که بررسی علمی را کامل سازد.

۱. مرحوم شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق)*

وی به احتیاط با تفسیر علمی برخورد کرده است؛ از این رو وجود همه علوم در قرآن را به عنوان یک احتمال، ذکر می‌کند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۹۸ و ج ۶، ص ۳۸۰)

و در موارد نادری از علوم طبیعی، در تفسیر استفاده کرده است؛ برای

* از مفسران قدیمی و بزرگ شیعه است که تفسیر شریف مجمع البیان او، از کتاب‌های مهم تفسیر نزد شیعه محسوب می‌شود.

مثال وی ذیل آیه شریفه «فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۹)، بعد از ذکر مقدمه‌ای در لغت و معنای آیه، می‌فرماید: «قال علی بن عیسی: "ان السموات غیر الافلاک لان الافلاک، تتحرک وتدور والسموات لاتتحرک ولا تدور لقوله: إِنَّ اللَّهَ يُسَيِّدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولًا" (فاطر: ۴۱) و هذا قول ضعيف لان قوله ان تزولا، معناه لاتزول عن مراكزها التي تدور عليها ولولا امساكها لزلت عنها» (همان، ج ۱، ذیل آیه): علی بن عیسی گفته است: آسمان‌ها غیر از افلاک است، زیرا افلاک حرکت می‌کنند و دور می‌زنند، ولی آسمان‌ها حرکت نمی‌کنند و دور نمی‌زنند؛ به دلیل آیه شریفه که می‌فرماید: خداوند آسمان‌ها و زمین را، از لغزش نگهداری می‌کند.

طبرسی می‌فرماید: این کلام ضعیف است؛ زیرا سخن خدا در آیه شریفه «أَنْ تَزُولًا» به این معناست که آسمان‌ها (افلاک) که به دور مرکز خود می‌گردند، لغزشی پیدا نمی‌کنند و اگر خداوند آنها را نگهداری نمی‌فرمود، لغزش پیدا می‌کردند.

ظاهر سخن ایشان که آسمان‌ها را همان افلاک می‌داند و افلاک، اصطلاح هیئت بطلمیوس* است که هفت فلک، به دور زمین در چرخش هستند (قمر، زهره، عطارد، مریخ، زحل، مشتری و خورشید) و اینکه قول علی بن عیسی را ضعیف می‌داند، به ما می‌فهماند ایشان افلاک هفت‌گانه بطلمیوسی را با آسمان‌های هفتگانه، متحد می‌داند؛ با این حال به زحمت می‌توان طبرسی را در ردیف قائلین به تفسیر علمی قرار داد.

* بطلمیوس (Ptolemaos) منجم و جغرافی‌دان معروف یونانی قرن دوم میلادی و صاحب کتاب‌های مجسطی و آثار البلاد است.

۲. ابوالفتوح رازی (متوفای ۵۵۲ ق)*

در تفسیر *روض الجنان و روح الجنان*، در موارد متعددی، با استفاده از دیدگاه‌های افراد، به تفسیر علمی آیات قرآن پرداخته است.

ابوالفتوح رازی از جمله ذیل آیه ۲۹ سوره بقره در مورد «سبع سموات» از مقاتل و ضحاک نقل می‌کند: «خدای عزوجل آسمان دنیا را از دود بیافرید، و از زمین تا آسمان دنیا، پانصد سال راه است و از هر آسمان تا آسمان بعدی پانصد سال راه است...» (رازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۹).

ایشان سپس از جنس آسمان‌ها و صفات آنها، مطالبی بیان می‌کند و به تقدم خلقت زمین بر آسمان و توجیحات آن می‌پردازد.

بررسی: ایشان از مطالب علمی برای توضیح آیات استفاده کرده است؛ هرچند تکیه اصلی وی بر تفسیر قرآن به قرآن و روایات مفسران بوده است.

۳. ملا فتح‌الله کاشانی (متوفای ۹۸۸ ق)

ایشان در تفسیر *منهج الصادقین* که از تفاسیر فارسی قرن دهم است و به روش اجتهادی نگاشته شده است، ذیل برخی آیات علمی قرآن، مطالبی بیان داشته و حتی گاهی به تعارض‌های ادعایی قرآن و علم توجه کرده، به آنها پاسخ می‌دهد؛ از جمله ذیل آیه ۲۹ سوره بقره در مورد «سبع سموات» می‌نویسد:

* این تفسیر فارسی از تفاسیر کهن قرن ششم هجری قمری شیعه است و نویسنده با روش اجتهادی به تفسیر قرآن پرداخته است.

اگر گویند چون سموات هفت طبقه است، پس چگونه است که اصحاب رصد اثبات نه فلک کرده‌اند؟ گوییم آنچه ایشان ذکر کرده‌اند، شکوک و اوهام است و بر تقدیر صحت آیه منافی زاید بر آن نیست و دیگر آنکه اگر عرش و کرسی را به آن منضم سازند، خلاف از آن مرتفع خواهد بود (کاشانی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۵۰).

بررسی: این کلام ملا فتح‌الله کاشانی از یک طرف، به نظریه‌های غیر ثابت علمی بطلمیوس در نجوم اشاره می‌کند؛ همان‌طور که بعداً مشخص شد حق با کاشانی بوده است و نظریه «نه فلک» هیئت بطلمیوسی وهم و خیال بوده، نه واقعیت.

و از طرف دیگر، ایشان تلاش کرده است بر فرض صحت نه فلک، تعارض قرآن و علم را برطرف سازد و با اضافه کردن عرش و کرسی، هفت آسمان را به نه مورد افزایش دهد؛ ولی این مطلب منتهی به تحمیل نظریه علمی بر قرآن می‌شود که صحیح نیست.

ملا فتح‌الله کاشانی در توضیح آیه ۶۹ سوره نحل: «فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ»، درباره شفا بودن عسل، بر اساس طب سنتی مطالبی پزشکی آورده است. وی می‌نویسد: «در آن شراب، شفاست مردمان را و آن یا بنفسه است؛ همچنان که در امراض بلغمیه یا مختلط با غیر خود، چنان که در سایر امراض چه کم معجونی باشد که عسل جزء وی نباشد» (همان، ج ۵، ص ۲۰۶). او بعد از نقل برخی احادیث، می‌نویسد: «عسل با ادویه حاره شفاء بلغم است و بدون اختطاط با داروی حاره نیز شفاى امراض بلغمیه است و با حموضات شفاى صفراء است» (همان).

۴. ملاصدراى شیرازى (م ۱۰۵۰ ق)*

ایشان هیئت قدیم را که علم نجوم حاکم در آن عصر بوده، در تفسیر قرآن کریم مطرح کرده است، با این حال سعی کرده تعارضات ظواهر آیات را با علوم طبیعی رفع کند؛ برای مثال ذیل آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۹) تعداد آسمان‌ها در هیئت قدیم را که نه عدد ذکر کرده‌اند، مطرح می‌کند و دلایل آنها را بررسی نموده، سپس نتیجه می‌گیرد: «طریق رصد و حس در ادراک امور سماوی ناقص است و فقط خداوند که خالق آسمان‌هاست، از آنها اطلاع دارد؛ بنابراین لازم است فقط از طریق نقل (مانند قرآن و حدیث) از تعداد آسمان‌ها اطلاع یابیم و قرآن هم دلالت دارد بر اینکه هفت آسمان محقق است و دو جسم عظیم دیگر (عرش و کرسی) وجود دارد؛ اگر مراد از اینها دو عقل کلی و نفس کلی یا لوح و قلم یا قضا و قدر نباشد» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۳).

پس ایشان در تفسیر خود، علوم طبیعی را مطرح می‌کند؛ در عین اینکه با روشی مستقل و متفکرانه و نه مقلدانه، با آنها برخورد می‌نماید.

۵. علامه محمدجواد بلاغی (م ۱۳۵۲ ق)

ایشان در *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن* که از تفاسیر اجتهادی متأخر شیعه است، با توجه به احاطه علمی‌ای که به زبان‌های غیرعربی داشته‌اند، به مطالب ادیان و ملل دیگر در تفسیر اهمیت داده‌اند.

ایشان در برخی موارد نیز به بیان نکات علمی آیات پرداخته‌اند؛ از جمله

* از حکمای مشهور در فلسفه اسلامی و پایه‌گذار حکمت متعالیه و مفسر قرآن است و تألیفات بسیاری از جمله تفسیری بر قرآن کریم در چند مجلد دارد.

درباره «سبع سموات» در آیه ۲۹ سوره بقره با اشاره به یافته‌های هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی می‌نویسد: «ذکر جل اسمه من السماوات سبعاً باعتبار ما یرونه و یعرفونه فی تلك العصور من السيارات السبع و کسف بعضها لبعض و ان كانت السماوات فی الهيئة القديمة تسعاً لان ملک الثوابت والاطلس كما یزعمون سماء ان ایضاً و فی الهيئة الجديدة باعتبار المدارات للسيارات اکثر من ذلك» (بلاغی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۸۲).

بررسی: اصل کلام بلاغی این است که هفت آسمان قرآن با نه فلک هیئت بطلمیوسی سازگار نیست؛ همان‌طور که با تعداد سیارات منظومه شمسی در هیئت کپرنیکی جدید نیز سازگار نیست؛ با این حال لازمه این مطلب آن نیست که قرآن بر اساس اطلاعات علمی ناقص و غلط مردم عرب عصر نزول قرآن سخن گفته است و هفت آسمان بر اساس اطلاعات حسی آنان گفته شده است که هفت سیاره را به دور خورشید یا به دور زمین گردان می‌دیدند؛ چون پذیرش این مطلب به معنای آن است که قرآن تابع فرهنگ غلط زمانه عرب جاهلی شده است و لازمه آن، ورود باطل به قرآن است که مخالف خود قرآن است؛ در حالی که احتمالات دیگری نیز در این مورد وجود دارد؛ همان‌طور که مفسران دیگر اشاره کرده بودند؛ از جمله اینکه ممکن است همه آنچه ما در آسمان می‌بینیم، آسمان اول باشد و هنوز آسمان‌های دیگر کشف نشده باشد.

۶. آیت‌الله سید محمود طالقانی (متوفای ۱۳۵۸ ش)

ایشان یکی از علمای انقلابی معاصر و مفسر قرآن است که در مواردی از تفسیر خود، پرتوی از قرآن، از مسایل علمی، برای تبیین مقاصد و مفاهیم قرآنی، استفاده کرده‌اند؛ برای مثال در تفسیر سوره شمس، ذیل آیه «وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّاها»

(شمس: ۹)، با استفاده از معانی لغوی کلمه «طحا» می‌گوید: خلاصه آنکه این آیه کوتاه و فشرده، با این تعبیر «مای» ابهام و فعل خاص، این حقایق را صراحتاً و ضمناً می‌رساند:

۱. زمین در آغاز به منشأ پیوسته و خود فشرده بوده، وگرنه حدوث دفع طحاها معنا ندارد.

۲. سپس نیرویی که نام و نشانی نداشته «ما» به کار آمده و آن را به صورت کره‌ای از منشأ اصلی جدا کرده و دور رانده است. این نیرو به صراحت فعل و مفعول طحاها و دلالت آن بر حدوث، باید دارای قدرت دفعی شده باشد که پس از جذب پدید آمده است.

۳. لازمه اینگونه دفع - که بر جسم کروی زمین، وارد شده و آن را رانده است - حرکت وضعی آن می‌باشد.

۴. واقع شدن زمین میان دو نیروی جذب و دفع، موجب حرکت انتقالی آن می‌گردد.

۵. از آثار جدا شدن و رانده شدن زمین از جسم اصلی و اولی، خارج شدن آن از محیط جذب شدید و واقع شدن میان دو کشش مخالف، این بوده که به تدریج جرم آن امتداد و گسترش یافته، تا به صورت ثابت و متعادل کنونی درآمده است. چنین به نظر می‌رسد که این معانی و لوازم به وضوح، از تعبیر این آیه استفاده شود و تأویل و تکلفی در میان نباشد؛ در واقع پیشرفت علم و تحقیق است که اینگونه آیات را تفسیر می‌نماید (طالقانی، ۱۳۴۸، ج ۲ از جزء سی‌ام، ص ۱۱۰).

آیت‌الله طالقانی در موارد متعددی از تفسیر خود، به رویکردهای جدید تفسیر علمی در زمینه علوم انسانی مثل تفسیر اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قرآن روی آورده است و از این جهت، تفسیر او بسیار قابل استفاده است.

۷. سید عبدالحسین طیب (متوفای ۱۳۷۰ ش)

ایشان که از مفسران معاصر شیعه به شمار می‌آیند و روش تفسیر اجتهادی را دنبال می‌کنند، در تفسیر *اطیب البیان* در موارد متعددی، به توضیح آیات علمی پرداخته‌اند؛ از جمله ذیل آیه ۲۹ سوره بقره در مورد آسمان‌های هفتگانه دیدگاه هیئت بطلمیوسی را رد می‌کنند و نیز این را که مقصود از هفت آسمان قمر، عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری و زحل باشد نمی‌پذیرند و نیز تطبیق کرات جویه و منظومه‌های شمسی را نمی‌پذیرند؛ زیرا تعداد آنها بیش از اینهاست که تاکنون کشف شده است.

در نهایت ایشان بر آن است که شاید فضای پهناور، مشتمل بر هفت طبقه باشد که طبقه اول آن همین آسمان پرستاره است که ما مشاهده می‌کنیم، ولی حقیقت این طبقات هفتگانه را جز خدا، کسی نمی‌داند (طیب، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۹۱).
بررسی: دیدگاه ایشان از طرفی ردّ برخی نظریه‌های علمی در باب تفسیر آیه است و از طرف دیگر، طرح احتمال علمی جدید (وجود هفت طبقه آسمان که آسمان دنیا نخستین آنهاست)؛ یعنی ایشان در تفسیر علمی، به صورت احتمالی سخن گفته است؛ همچنین در تفسیر آیه ۲۱۹ بقره در مورد زیان‌های شراب‌خواری به معده و کبد و ریه و اعصاب و قلب و بینایی اشاره می‌کنند و سپس به نظرات پزشکان قدیم و جدید در این مورد استناد می‌کنند که کتاب‌ها در این موضوع نوشته‌اند (همان، ج ۲، ص ۴۲۶).

۸. یعسوب‌الدین رستگار جویباری

ایشان از مفسران معاصر و صاحب *تفسیر البصائر* است. رستگار جویباری ذیل هر سوره، با مطرح کردن بیست بحث مختلف، راجع به فضیلت سوره، غرض، قرائت، لغت، نحو و... تفسیر را انجام می‌دهد و یکی از بحث‌های آن، وجه اعجاز سوره یا

آیاتی از آن است که در این موارد، به مسایل علمی قرآن هم توجه کرده است؛ چنان که در مقدمه تفسیر می‌گوید: «قرآن اساس علوم دین و معارف اسلام است و کشف اسرار وجود و قوانین (نوامیس) طبیعت می‌کند و قرآن مصدر علوم اجتماعی و سیاسی است» (رستگار جویباری، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۶).

وی در جای دیگر، با شاهد آوردن از کلمات دانشمندان علوم تجربی، بیان می‌کند: «علوم طبیعی، فلسفی و ریاضیات که از قرن دهم میلادی رشد کرد، از قرآن اخذ شده است، بلکه اروپا شهر اسلام است» (همان، ص ۹۸) و یا ذیل سوره شمس، طی بحثی مفصل که هفتاد صفحه است، راجع به خورشید، وزن، حرارت و گردش آن و خورشیدهای دیگر و ... از نظر علوم روز بحث می‌کند (همان، ج ۵۶، صص ۱۱۰ و ۱۸۰). این تفسیر، نمونه‌ای از تفاسیری است که برای روشن کردن معانی آیات قرآن، در حد زیادی از علوم مختلف کمک گرفته است.

۹. محمدتقی شریعتی (متوفای ۱۳۵۵ ش)

وی صاحب تفسیر نوین است که کتابش شامل تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم می‌باشد و در موارد متعدد، به اعجاز علمی قرآن و آیات علمی آن اشاره می‌کند. او در مقدمه تفسیر می‌گوید: «در سوره نمل آیه ۱۹، خداوند به صراحت از سخن گفتن مورچه خبر داده است (و مورچه‌ای گفت: ای مورچگان در مساکن خود داخل شوید، تا سلیمان و لشکریانش در حالی که ملتفت نباشند، شما را در هم نکوبند) و مفسران در معنای آیه درمانده بودند. برخی، بر اعجاز حضرت سلیمان حمل می‌کردند، در صورتی که معجزه برای اقناع مردم است و کسی نه سخن مورچه را می‌شنید و نه می‌فهمید؛ بعضی دیگر به تأویلات شگفتی می‌پرداختند، بسیاری هم تعبداً می‌پذیرفتند؛ تا علم

حشره‌شناسی پیشرفت نمود و در زمان ما معلوم شد مورچه سخن می‌گوید و از این قبیل معجزات هم در قرآن فراوان است» (شریعتی، ۱۳۳۵، ص ۶۷ مقدمه). وی یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن را اعجاز علمی می‌داند؛ برای مثال به آیاتی که درباره حرکت زمین یا مرکب بودن نور خورشید است، اشاره می‌کند (همان، ص ۶۶ مقدمه). او در جایی، آیه «نَارِ اللَّهِ الْمَوْقَدَةِ» (همزه: ۷) را اشاره به اشعه «روتنگن» می‌داند؛ همان‌طور که یک دکتر مصری اعلام و اثبات کرده است (همان، ص ۶۴ مقدمه)؛ نیز ذیل آیه شریفه «وَحَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا» (نبأ: ۸)، آن را یک معجزه علمی قرآن می‌شمارد و تحت عنوان یک معجزه علمی، به بحث درباره زوجیت گیاهان و حیوانات از لحاظ علمی می‌پردازد و آیات دیگر قرآن راجع به این مطلب را شاهد می‌آورد (همان، ص ۱۱).

۱۰. علامه طباطبایی (متوفای ۱۳۶۰ ش)

ایشان صاحب تفسیر شریف المیزان و کتاب‌های فلسفی بدایه و نهایه الحکمه و نیز از متفکران، مفسران و فیلسوفان بزرگ شیعه، در قرن حاضر است. ایشان در مورد تفسیر علمی می‌فرمایند: «بعضی از مسلمانان در اثر غرق شدن در علوم طبیعی و مشابه آنها که مبتنی بر حس و تجربه است، به مذهب اصالت حس، از فلاسفه اروپا متمایل شدند و بعضی به طریق اصالة العمل - که ارزشی برای ادراکات قائل نیستند، مگر به مقداری که عملی بر آن مترتب شود - گرایش پیدا کردند؛ از این رو گفتند معارف دینی، با طریقه علمی (اصالت حس و ماده) معارضت ندارد و موارد آیات مخالف این نظر را، تأویل کردند و حتی معاد را با قوانین مادی، تطبیق نمودند و گفتند روح مادی است و از خواص ماده به دست می‌آید و نبوت یک نبوغ خاص اجتماعی است که موجب قانونگذاری، برای ایجاد مصالح می‌شود و

نتیجه گرفتند روایات، به خاطر خلطی که در آنهاست، قابل اعتماد نیست و تفسیر آیات قرآن، به طریق عقلی - که در تفسیرهای گذشتگان انجام می‌شد - را هم، علم، باطل کرد (روش عقلی را علم باطل کرد)؛ پس قرآن را باید با علم تفسیر نمود» (طباطبایی، ۱۳۹۷ ق، ج ۱، ص ۸۷، با تلخیص و ترجمه).

ایشان در پایان این مطلب می‌فرمایند: «انما الکلام فی ان ما آورده علی مسالک السلف من المفسرین (ان ذلک تطبیقاً و لیس بتفسیر) وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر»: آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده‌اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است [و همان اشکال] بر ایشان نیز وارد است (همان، ج ۱، ص ۸۷ با تلخیص و ترجمه).

هرچند علامه، در تفسیر بعضی از آیات قرآن از علوم تجربی و نتایج آنها کمک می‌گیرد، چنانچه ذیل آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء: ۳۰) و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم، می‌فرماید: «منظور این است که آب دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده‌ای دارد... و در بحث‌های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است» (ر.ک: همان، ذیل آیه ۳۰ سوره انبیاء).

و یا ذیل آیه شریفه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷)، می‌فرماید: مراد، توسعه خلقت آسمان است؛ همان‌طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسئله نظر دارد (همان، ج ۱۸، ص ۳۸۲).

این دو نوع برخورد علامه، با تفسیر علمی بدین جهت است که تفسیر علمی، چند نوع مختلف دارد که همگی یک حکم واحد ندارند؛ از این رو علامه در شمار قائلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود؛ یعنی تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن را مردود می‌داند، ولی استخدام علوم در فهم قرآن را عملاً مجاز می‌شمارد.

۱۱. محمدجواد مغنیه (متوفای ۱۴۰۰ ق)

وی که از مفسران معاصر است، در تفسیر الکاشف خود، در تفسیر آیه ۶۹ سوره نحل: «ثُمَّ كَلِيَ مِنْ كُلِّ الْأَثْرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلًا يُخْرَجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۶۹): سپس از همه محصولات بخور و راه‌های پروردگارت را فروتنانه بپیمای. از شکم‌هایشان نوشیدنی (عسل) بیرون می‌آید که رنگ‌هایش متفاوت [و] در آن برای مردم درمانی است؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، برای گروهی که تفکر می‌کنند، می‌نویسد: «فیه شفاء للناس، کفقر الدم و سوء الهضم و الشهاب الفم والرئة و المثانة و امراض الكبد و ما الی ذلک مما ذکره الاطباء».

در واقع ایشان در تفسیر آیه فوق از سخنان پزشکان استفاده کرده است و شفا بودن عسل را توضیح داده است که برای امراض کبد و ریه و مثانه و دهان و هضم غذا، مناسب است (مغنیه، ۱۹۸۱ م، ج ۴، ص ۵۲۸).

همچنین در تفسیر آیه ۲۱۹ سوره بقره: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»: از تو، درباره شراب و قمار می‌پرسند. بگو: در آن دو، گناه [و زیانی] بزرگ و سودهایی برای مردم است؛ [ولی] گناه آن دو از سود آن دو بزرگ‌تر است؛ و از تو می‌پرسند: چه چیزی [در راه خدا] مصرف کنند؟ بگو: بخشش (متعادل، یا از مازاد مال یا از بهترین قسمت آن)؛ همان‌طور که خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند تا شاید شما تفکر کنید، بر آن است که مقصود از «اثم» در این‌جا، همان ضرر است؛ وی به زیان‌های شراب به جسم، عقل و مال اشاره می‌کند و در پایان به سخن پزشک مشهور آلمانی استشهد می‌کند که گفته است: «شما نصف میخانه‌ها را قفل کنید تا من برای شما ضمانت کنم که از نصف بیمارستان‌ها و زندان‌ها بی‌نیاز می‌شوید» (همان، ج ۱، ص ۳۲۸).

۱۲. آیت‌الله مکارم شیرازی

ایشان از مراجع معاصر قم و از مفسران و فقهای والامقام شیعه، در عصر حاضر هستند. ایشان دارای کتاب‌های فراوانی مانند تفسیر نمونه و پیام قرآن می‌باشند.

ایشان از افراد موافق تفسیر علمی، ولی معتدل، به حساب می‌آیند که تفسیر علمی را در یک نوع آن پذیرفته‌اند و در تفسیر نمونه، در موارد متعدد برای اثبات اعجاز علمی قرآن، از آن استفاده کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۳۱، ج ۱۱، ص ۴۱۰ و ج ۱۲، ص ۲۷۵ و ج ۱۵، ص ۵۶۸) و با نوعی از تفسیر علمی مخالفت کرده‌اند و آن را تفسیر به رأی می‌خوانده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ص ۶۹-۷۹). آنجا که با تفسیر علمی موافقت دارند، می‌فرمایند: «گاهی هم مشاهده می‌شود که علم به میدان آمده و قرآن را تفسیر می‌کند. تأکید می‌کنم وقتی می‌گوییم علم، منظورم کشفیات ثابت شده و قطعی علمی است، نه فرضیات که اشکال کنند فرضیه‌ها با گذشت زمان، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود و نمی‌توان قرآن ثابت و تغییرناپذیر را، بر فرضیات دگرگون‌شونده تطبیق داد؛ برای مثال زوجیت نر و ماده، در عالم گیاهان که بعد از قرن هفده میلادی کشف شد و یا حرکت زمین به دور خود، دیگر یک فرضیه نیست، تا با گذشت زمان دگرگون شود» (مجله پیام قرآن، پیش شماره، ص ۴۸).

ایشان در کتاب قرآن و آخرین پیامبر، در یک فصل، اعجاز قرآن را از نظر علوم روز بررسی می‌کنند و مسائلی همچون قانون جاذبه عمومی، تسخیر خورشید و ماه، زندگی در کرات دیگر و ... را مطرح می‌نمایند و از نظر قرآن و علم، مورد بررسی قرار می‌دهند (مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ص ۱۴۷-۲۰۰).

ایشان در آن کتاب (قرآن و آخرین پیامبر) بعد از بیان این مطلب که قرآن یک

کتاب طبیعی نیست و اگر چیزی از اسرار علوم و حقایق جهان آفرینش، در آن باشد، حتماً برای یک هدف تربیتی و اخلاقی، یا تعلیم درس توحید و خداشناسی آمده است، نه به عنوان عرضه کردن علوم طبیعی و مانند آن، بلکه به سبک دائرةالمعارف، به بحث تطبیق قرآن، با اکتشافات علمی و مسایل مختلف علوم می‌پردازند، سؤال می‌کنند: آیا از این راه می‌توان برای ارزیابی قرآن و کشف معجزات علمی آن، استفاده کرد یا خیر؟

و بعد پاسخ می‌دهند: در این جا نظرات مختلفی وجود دارد: بعضی چنان راه افراط در پیش گرفته‌اند که آیات قرآن را با کمترین تناسب، بر یک سلسله فرضیات علمی و نه حقایق مسلم و قطعی، تطبیق کرده‌اند و به گمان خود، از این راه خدمتی به شناسایی قرآن نموده‌اند؛ در حالی که این یک اشتباه بزرگ است. فرضیات علمی، پیوسته در حال تغییر و تحول می‌باشد و قرآن یک واقعیت ثابت [است]. تطبیق یک واقعیت ثابت، بر یک سلسله امور متحول و متغیر نه منطقی است، نه خدمت به علم و نه خدمت به دین؛ مثلاً اگر ما فرضیه لاپلاس را درباره چگونگی پیدایش منظومه شمسی اساس قرار دهیم و آیات قرآن را، با مناسبت‌های جزئی بر آن تطبیق کنیم، مسلماً مرتکب کار خلافی شده‌ایم؛ چه اینکه هیچ دور نیست، فرضیه لاپلاس در پرتو اکتشافات علمی جدیدی (همچون صدها فرضیه دیگر) راه فنا و نیستی طی کند؛ آن‌گاه تکلیف ما با آن آیات که وحی آسمانی است و خطا و اشتباه در آن راه ندارد، چه خواهد بود؟!

در برابر این دسته، دسته دیگری هستند که راه تفریط را پیموده‌اند و معتقدند: ما به هیچ وجه، حق نداریم مسایل علمی را هر قدر مسلم باشد بر آیات قرآن، هر قدر روشن و صریح باشد، تطبیق نماییم. این تعصب و جمود نیز، کاملاً بی‌دلیل به نظر می‌رسد.

اگر راستی یک مسئله علمی به روشنی اثبات نشده و از محیط فرضیه‌ها، قدم به جهان قوانین علمی گذارده و حتی گاهی جنبه حسی به خود گرفته است (مانند گردش زمین به دور خود یا گردش زمین به دور آفتاب و مانند وجود گیاهان نر و ماده، تلقیح در عالم نباتات و امثال اینها) و از سوی دیگر آیاتی از قرآن هم صراحت در این مسایل داشته باشد، چرا از تطبیق این مسایل، بر آیات قرآن، سر باز زنیم و از این توافق که نشانه عظمت این کتاب آسمانی است، وحشت داشته باشیم؟!

از این بیان روشن شد که چه حدودی نادرست و غیرمجاز است؛ به همین دلیل در بحث‌هایی که در این فصل (اعجاز قرآن از نظر علوم روز) مطرح می‌شود، دو نکته را کاملاً رعایت خواهیم نمود: نخست اینکه: مسائلی از علوم طبیعی را انتخاب می‌کنیم که صد در صد، ثابت، قطعی و یا حسی باشد و از رفتن به سراغ فرضیه‌ها اجتناب خواهیم کرد.

دیگر اینکه: دلالت آیات قرآن بر آنها، کاملاً روشن و طبق قواعد ادبی، در استنباط معانی از ظواهر الفاظ، قابل اعتماد باشد و نیازی به توجیه‌ها و تفسیرهای مخالف ظاهر پیدا نکند (همان، ص ۱۴۷ به بعد).

۱۳. آیت‌الله محمدهادی معرفت (متوفای ۱۳۸۵ ش)

ایشان از علما و مفسران شیعه و متخصص علوم قرآن بوده، تألیفات بسیاری از جمله التمهید فی علوم القرآن و صیانة القرآن عن التحریف و التفسیر الاثری الجامع را در کارنامه خود دارند.

ایشان در جلد ششم التمهید درباره اعجاز علمی قرآن به بحث و بررسی پرداخته‌اند و آیات متعددی از قرآن را ذکر کرده، و با پیشرفت‌های علوم تجربی، مقایسه نموده در نتیجه، اعجاز قرآن را اثبات می‌نمایند.

ایشان در مقدمه این کتاب می‌گویند: «شریعت، درس علوم طبیعی نیست و قرآن بالذات کتاب علم نیست؛ مگر اشاراتی گذرا و در کنار مطالب اصلی (حکمت، هدایت، تربیت، ارشاد و ...) دارد که به بعضی از اسرار وجود، اشاره می‌کند؛ اما این به نحو اجمالی و غامض بیان شده، به طوری که علمای راسخ در علم، آن اشارات را درک می‌کنند؛ چون در صدد بیان مطالب علمی نبوده، ولی در عین حال از دریای بی‌کران علم الهی سرچشمه گرفته است».

ایشان با استناد به آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء: ۳۰) و با استناد به کلمات مفسران و داروین،* سعی می‌کند ثابت نماید منظور قرآن، از شروع حیات با آب، همان است که نظریات علمی جدید می‌گوید که حیات از دریاها و آب‌ها (با موجودات تک‌سلولی) شروع شد (معرفت، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۳۱).

همچنین در مورد آیه شریفه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (الزراعات: ۴۷): آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و حتماً آن را وسعت می‌دهیم، با استدلال به نظریات لومتر انگلیسی (۱۸۹۴ م) سعی می‌کند وسعت را، به معنای اتساع (گسترش جهان از شش جهت) معنا کند (همان، ص ۱۱۱).

از طرف دیگر، استاد معرفت، معتقدند: «قرآن قطعی است و علوم، غیر قطعی؛ بنابراین باید علوم بر قرآن تطبیق شود نه بالعکس؛ یعنی با توجه به کشفیات علمی، ما از یک آیه مطلبی را می‌فهمیم؛ اما اینکه بگوییم آیه حتماً این مطلب را می‌گوید، نمی‌دانیم، بلکه اگر کسی نسبت قطعی دهد، تحمیل است که جایز نیست» (ر.ک: همان، ص ۷-۳۰).

* چارلز داروین (م ۱۸۸۲ میلادی) زیست‌شناس معروف که نظریه تکامل انواع او، مشهور است.

پس ایشان به طور واضح بین اسناد قطعی علوم تجربی، به قرآن و تفسیر قرآن با علوم تجربی، به نحو احتمالی تفاوت می‌گذارند؛ از این رو ایشان را از قائلان به تفصیل در تفسیر علمی، به شمار می‌آورند.

۱۴. آیت‌الله سبحانی

ایشان از علما و مفسران معاصر شیعه و دارای تألیفات متعدد، از جمله تفسیر موضوعی منشور جاوید هستند. ایشان از افراد معتدل در تفسیر علمی محسوب می‌شوند و در مورد شرایط مفسر می‌فرمایند: «آگاهی از بینش‌های فلسفی و علمی مایه شکوفایی ذهن و سبب برداشت‌های ارزنده‌ای از قرآن می‌گردد (منظور، شرایط تفسیر قرآن به معنای واقعی است). امروز بشر، گام‌های بس بلندی پیرامون شناخت زمین، کیهان، حیوان و انسان برداشته و افق‌های بس تازه‌ای در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی کشف کرده. درست است که نمی‌توان گفت تمام آنچه را که در این مقوله، گفته و ترسیم کرده است، صحیح است، ولی آگاهی از چنین کشفیات علمی، سبب تقویت دماغ فلسفی و علمی انسان می‌گردد و مایه شکوفایی ذهن مفسر می‌شود و به او توان خاصی می‌بخشد که از قرآن به صورت کامل‌تری بهره بردارد. مقصود این نیست که به کمک فلسفه یونان و یا اسلامی و یا به کمک علوم جدید، به تفسیر قرآن بپردازیم و قرآن را بر این افکار غیر مصون از خطا تطبیق کنیم، زیرا یک چنین کاری، جز تفسیر به رأی که عقلاً و شرعاً ممنوع است، نتیجه دیگری ندارد» (سبحانی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۵).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «ظواهر غیر قابل انکار قرآن، این است که انسان را از گل آفریده و حلقه‌هایی در این میان وجود ندارد، ولی با این همه، هرگاه

فرضیه تحول انواع در آینده رنگ علمی به خود گرفت و روی دلایل قطعی و روشن، ثابت شد که انسان کنونی پس از تحولات جوهری و تبدلات نوعی، موجود دو پا و صاحب نفسی ناطقه شده است و این ثبوت به مرحله‌ای رسید که مسئله تحول انواع را در شمار مسایل قطعی و روشن که جای هیچ‌گونه انکار نباشد، وارد ساخت، در این صورت ظواهر قرآن طوری نیست که قابل تأویل و تفسیر نباشد؛ زیرا می‌توان گفت: اینکه خداوند فرموده انسان را از گل آفریده است، هرگز منافات ندارد که میان گل و انسان شدن، مراحل بوده که خداوند به آنها اشاره یا تصریحی نفرموده است و هرگز سکوت، دلیل بر نبودن واسطه نیست» (سبحانی، [بی‌تا]، ص ۲۱).

ایشان در کتاب برهان رسالت در مورد جاذبه عمومی، کرویت زمین، حرکت زمین و اجرام سماوی و زوجیت گیاهان، به قرآن و علم اشاره می‌کند و برای اعجاز قرآن به آنها استدلال می‌نماید (سبحانی، ۱۳۹۸ ق، ص ۲۵۳-۲۸۳)؛ همچنین در کتاب منشور جاوید (نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی) در موارد متعدد، نظریه‌های علمی و مکاتب جدید غربی را متعرض شده‌اند؛ برای مثال در بحثی پیرامون انسان، تحت عنوان «نظریه‌های طرح مستقل و طرح مشترک در آفرینش انسان» به بررسی خلقت انسان و نظریه تکامل و رد و ایراد آن می‌پردازند (سبحانی، ۱۴۰۱ ق، ج ۴، ص ۱۹۱)؛ پس ایشان هر چند با تطبیق قرآن، بر علوم جدید مخالف است، اما بر لزوم استفاده از کشفیات علمی در تفسیر قرآن تأکید می‌کند (پس ظاهراً با استخدام علوم در فهم قرآن، موافق است) و این تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

۱۵. دکتر محمد صادقی

وی از مفسران معاصر شیعه و صاحب کتاب‌های متعددی از جمله الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة است که در سی مجلد چاپ شده است و نیز کتابی به نام ستارگان از نظر قرآن دارند.

در تفسیر الفرقان، در موارد متعددی از مطالب علمی جدید برای روشن کردن معنای آیات قرآن استفاده شده است؛ برای مثال ذیل آیه شریفه «قُلْ إِنَّا نَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ...» (فصلت: ۹-۱۲) کوشش دارد اثبات کند زمین از خورشید جدا نشده است و این نظریه علمی را رد می‌کند و با ذکر نظریات علمی درباره پیدایش زمین، آخرین نظریه را که محال بودن جدا شدن زمین از خورشید است، می‌پذیرد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۴، ص ۲۸-۲۶).

همچنین ذیل آیه شریفه «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا» (مرسلات: ۲۵) حرکت زمین و نیروی جاذبه آن را از آیه استفاده می‌کند و می‌گوید: «این دو اصل را قرآن کریم، قرن‌ها قبل از کپرنیک و نیوتن کشف کرده بود». وی سپس شرحی راجع به نیروی جاذبه و ... می‌دهد (همان، ج ۲۹، ص ۳۴۱).

اما ایشان در گفت‌وگو با ما، قائل به تفصیل در تفسیر علمی شدند و تفسیر علمی را که منجر به تطبیق شود رد کردند.

۱۶. تفسیر قرآن مهر

این تفسیر توسط محمدعلی رضایی اصفهانی با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی* طی ده سال (۱۳۷۷-۱۳۸۷ ش) نگاشته شد و در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۷ ش در ۲۲

* از جمله: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، محمدرضا احمدی، نیک‌زاد، و با نظارت علمی حضرت علامه معرفت و با بهره‌مندی از مشاوره آقایان دکتر مؤدب و دکتر آذربایجانی.

جلد منتشر شد. رویکرد این تفسیر، اجتماعی و مخاطب آن نسل جوان است. در مقدمه جلد اول این تفسیر، مسئله تفسیر علمی به صورت مفصل مطرح شده است و برخی گونه‌های تفسیر علمی، یعنی استخراج همه جزئیات علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن مردود اعلام شده و گونه استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن و نظریه‌پردازی‌های علمی و جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی با استفاده از قرآن مطرح شده و با رعایت ضوابط تفاسیر معتبر پذیرفته شده، سپس مبانی تفسیر علمی توضیح داده شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۱-۱۰۲).

یعنی نگارندگان این تفسیر، قائل به تفصیل در تفسیر علمی شده‌اند و تفسیر قرآن بر اساس یافته‌های قطعی یا اطمینان‌آور علوم تجربی را با شرایطی پذیرفته‌اند؛ از جمله اینکه مطلب علمی با ظواهر قرآن سازگار باشد و منتهی به تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن و تفسیر به رأی نشود.

در این تفسیر، چند مورد از آیات علمی قرآن به عنوان اعجاز علمی مطرح شده است؛ از جمله: آیه ۲ سوره رعد و آیه ۱۰ سوره لقمان در مورد نیروی جاذبه عمومی، آیات ۳۷-۴۰ سوره یس در مورد حرکت‌های خورشید و آیات ۵ سوره حج و ۱۲ سوره مؤمنون در مورد چینش مراحل خلقت انسان و آیه ۱۲ سوره حجر در مورد لقاح ابرها و گیاهان و آیه ۴۹ سوره ذاریات در مورد زوجیت عام موجودات.

در این تفسیر، علاوه بر تفسیر علمی ذیل آیات مربوط، به نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن، یعنی بیان حقایق علمی در قرآن که هنوز توسط علم جدید کشف نشده، اشاره شده است؛ از جمله: «نظریه وجود موجودات زنده در آسمان‌ها». این نظریه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۲۹ سوره شوری قابل استفاده است که

می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِنَّ مِنْ دَابَّةٍ»: و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبنندگان در آنها منتشر ساخته است.

برخی نشانه‌های کیهان‌شناختی برای وجود موجودات زنده و باشعور در کرات دوردست ادعا شده است، اما کیهان‌شناسان هنوز نظریه قطعی در این زمینه ابراز نکرده‌اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب را می‌توان به عنوان یکی از نظریه‌های علمی برگرفته از قرآن، مبنای تحقیقات تجربی کیهان‌شناختی وسیع قرار داد (ر.ک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹ شوری مثل نمونه؛ الجواهر و قرآن و علوم امروز).
نظریه گسترش آسمان‌ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن، همچون آیه ۴۷ سوره ذاریات استفاده می‌شود که می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»: و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می‌دهیم.

در مباحث علمی فیزیک کیهانی دو دیدگاه در مورد آسمان‌ها وجود دارد: «یکی دیدگاه انبساط جهان و دیگری دیدگاه انقباض جهان (ر.ک: هاوکینگ، [بی‌تا]، ص ۵۸) و برای هر کدام شواهدی مطرح گردیده، ولی اثبات نشده است. از آیه فوق، دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت است (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد) و می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی، مبنای تحقیقات کیهان‌شناسی قرار گیرد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۵).

همچنین در این تفسیر، به جهت‌دهی قرآن، به مبانی علوم انسانی اشاره کرده، از آن با عنوان نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن در زمینه علوم انسانی یاد می‌کند و می‌نویسد: «نظریه‌پردازی‌های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، اگر اینگونه موارد به‌خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد،

می‌تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد و چهرهٔ جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد و به سلطهٔ فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد؛ برای نمونه، از آیات قرآن، خدامحوری استفاده می‌شود؛ یعنی خدا سرچشمه و منتهای سیر همهٔ موجودات است: «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)، و اصولاً ارزش کارها به رنگ الهی «صِبْغَةَ اللَّهِ» (بقره: ۱۳۵) و در راه خدا بودن است؛ در حالی که مبنای علوم انسانی جدید، انسان‌محوری است که این مطلب در علوم انسانی، به‌ویژه علوم تربیتی و علوم سیاسی تأثیر بسیاری دارد و جهت خاصی به آنها می‌دهد. مبنای اقتصاد اسلامی نیز اقتصاد بدون ربا است، در حالی که اقتصاد جدید غرب بر اساس سیستم ربا، به‌ویژه در بانکداری، شکل گرفته است. اگر این مبنای قرآنی در بانکداری جاری شود، به سیستم جدیدی رهنمون می‌شویم. علوم سیاسی جدید نیز در غرب بر اساس جدایی دین از سیاست و امور دنیوی (سکولاریسم) بنیان نهاده شده است، در حالی که سیاست در قرآن، بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه‌گذاری شده است؛ از این رو بسیاری از آیات قرآن، مسایل حکومتی و اصول سیاست خارجی و قوانین صلح و جنگ و... را بیان می‌کند (همان، ص ۹۸).

نتیجه

مفسران شیعه در طول هزار سال گذشته، به تفسیر علمی قرآن به صورت‌های مختلف توجه کرده‌اند؛ گاهی اشارات علمی قرآن را توضیح داده‌اند و گاهی دیدگاه‌های دانشمندان علوم را به استخدام فهم و تفسیر قرآن درآورده‌اند و در عصر اخیر به جهت‌دهی و نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن توجه کرده‌اند؛ ولی غالباً از افراط در این روش، یعنی استخراج جزئیات علوم از قرآن و تحمیل

نظریه‌های علمی بر قرآن پرهیز کرده‌اند؛ آفتی که در تفاسیر علمی مثل الجواهر، طنطاوی و تفسیر سر سیداحمد خان هندی و مانند آنها و الجواهر غزالی زیاد دیده می‌شود.

مفسران معاصر شیعه، به تفصیل در تفسیر علمی قرآن توصیه کرده‌اند؛ یعنی در جایی تفسیر علمی قرآن را جایز شمرده‌اند که یافته‌های علوم تجربی قطعی باشد و یا مطلب علمی به صورت احتمالی به قرآن نسبت داده شود و همهٔ اینها، مشروط به آن است که ظاهر آیه مورد نظر، بر مطلب دلالت داشته باشد و مستلزم تحمیل بر قرآن نباشد؛ همان‌طور که تلاش برای استخراج همهٔ جزئیات علوم از قرآن، ره به جایی نمی‌برد و مبنای استدلالی آن مخدوش است.



منابع

۱. ابوججر، احمد عمر؛ التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان؛ بیروت: دارقتیبة، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.
۲. ادبلاکر، اریک؛ فیزیک نوین؛ ترجمه بهروز بیضائی؛ تهران: قدیانی، ۱۳۷۰.
۳. الحبال و مرعی الجواری، محمد جمیل و مقداد؛ العلوم فی القرآن؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]: [بی‌تا].
۴. الخولی، امین؛ مناهج تجرید؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]: [بی‌تا].
۵. الصدر، محمد باقر؛ اقتصادنا؛ قم: المجمع العلمی للشهید الصدر، ۱۴۰۸ ق.
۶. بلاغی؛ محمد جواد؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، تهران: کتابفروشی وجدانی، [بی‌تا].
۷. حلبی، علی اصغر؛ تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر؛ تهران: بهبهانی، ۱۳۷۱.
۸. ذهبی، محمد حسین؛ التفسیر و المفسرون؛ قاهره: دارالکتب الدینیة، ۱۳۸۱.
۹. رازی، ابوالفتح؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۱۰. رستگار جویباری، یعقوب‌الدین؛ تفسیر البصائر؛ قم: انتشارات رستگار جویباری، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن؛ رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۰.
۱۲. _____؛ تفسیر قرآن مهر؛ قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۳. _____؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن؛ قم: اسوه، ۱۳۷۶.
۱۴. _____؛ منطق تفسیر قرآن (۲): روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۵. رفیعی محمدی، ناصر؛ تفسیر علمی قرآن؛ ج ۲، تهران: فرهنگ‌گستر، ۱۳۷۹.
۱۶. رومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان؛ اتجاهات التفسیری فی القرن الرابع عشر؛ الطبعة الاولى، ج ۳، عربستان سعودی: [بی‌نا]: [بی‌تا]، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. سبحانی، جعفر؛ برهان رسالت؛ تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۹۸ ق.
۱۹. _____؛ تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن؛ تنظیم سید هادی خسروشاهی؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، نشر توحید، ۱۳۷۱.
۲۰. _____؛ داروینیسیم یا تکامل انواع؛ قم: انتشارات توحید، [بی‌تا].
۲۱. _____؛ منشور جاوید؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۱ ق.
۲۲. شریعتی، محمد تقی؛ تفسیر نوین؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۳۵.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، الطبعة الثانية، تهران:

- فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)؛ *تفسیر القرآن الکریم*؛ قم: بیدار ۱۳۶۶.
۲۵. صدوق، ابوجعفر محمد؛ *الامالی*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۸۰.
۲۶. طالقانی، سید محمود؛ *پرتوی از قرآن*؛ تهران: انتشار، ۱۳۴۸.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ الطبعة الثانية، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۷ ق.
۲۸. طبرسی؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: المکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۵ ق.
۲۹. طیب، سیدعبدالحسین؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: اسلام، ۱۳۶۶.
۳۰. عبدالرحمن العک، شیخ خالد؛ *اصول التفسیر و قواعدہ*؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دارالفائس، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. علوی مهر، حسین؛ *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*؛ قم: اسوه، ۱۳۸۱.
۳۲. عمید زنجانی، عباسعلی؛ *مبانی و روش‌های تفسیری*؛ ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
۳۳. غزالی، محمد؛ *الجواهر*؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]: [بی‌تا].
۳۴. کاشانی، ملافتح الله؛ *تفسیر منهج الصادقین*؛ تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۴.
۳۵. نوفل، عبدالرزاق؛ *القرآن والعلم الحدیث*؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۳ ق.
۳۶. *مجله پیام قرآن*؛ ویژه‌نامه دارالقرآن آیت‌الله العظمی گلپایگانی (مجموعه سخنرانی‌ها)، ۱۳۶۰.
۳۷. مشکینی اردبیلی، علی؛ *تکامل در قرآن*؛ ترجمه حسینی‌نژاد؛ تهران: فرهنگ اسلامی، [بی‌تا].
۳۸. معرفت، محمدهادی؛ *التمهید فی علوم القرآن*؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۶۷.
۳۹. مغنیه، محمدجواد؛ *تفسیر الکاشف*؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۱ م.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر به رأی*؛ ج ۷، قم: مطبوعات هدف، ۱۳۶۷.
۴۱. _____؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۲۶، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۴.
۴۲. _____؛ *قرآن و آخرین پیامبر*؛ ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیة، [بی‌تا].
۴۳. مؤدب، سیدرضا؛ *روش‌های تفسیر قرآن*؛ قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۰.
۴۴. هاوکینگ، استفن؛ *تاریخچه زمان*؛ ترجمه دادفرما؛ تهران: کیهان، [بی‌تا].